

Saadi's moral lessons about tendency to the world and worldliness

Assistant Professor Abbas Dawi Yousuf, Phd
Department of Persian, literature and Language, University of
Baghdad – college of Languages.
Email: abbas2@colang.uobaghdad.edu.iq

DOI: <https://doi.org/10.31973/aj.v1i141.1800>

Abstract

The comprehensiveness of Saadi's ideas and the abundance of his books, which are replete with Qur'anic verses, prophetic hadiths, and sayings of great clerics, as well as his great presence in the culture of Iranian society over the past few centuries, were the motivation and motivator for us to get to know his ideas better. The subject of the world is one of Saadi's ideas or beliefs that we must study, given its importance. This issue has always been the subject of debate among different ideas and schools, with different groups offering opinions on the subject according to their beliefs. Therefore, the importance of how to deal with the world, on the one hand, and Saadi's prestigious position in the culture of Iranian society, on the other, make us study the subject of the world in his works to know his way of thinking about it. In this article, which is conducted in a content analysis method, we explain and analyze the different aspects of the attitude of the Sheikh of Shiraz (Saadi) towards the subject of the world. What will be discussed in this research, is that Saadi has a balanced view of the world because of his influence on religious teachings and because of his unique genius; His praise of the world as well as his criticism of it, is not only a contradiction, but rather shows the balanced and fair view of Sheikh Saadi on the subject of the world.

Keywords: Saadi, Kulliyat Saadi, the world, the Islamic religion, the hereafter.

تعاليم سعدي الاخلاقية نحو الميل إلى الدنيا و ملذاتها

أ.م.د. عباس داوي يوسف

قسم اللغة الفارسية، كلية اللغات ، جامعة بغداد

(مُلَخَّصُ البَحْث)

إن شمولية أفكار سعدي وكثرة مؤلفاته التي تزخر بالآيات القرآنية والأحاديث النبوية وأقوال العظماء من رجال الدين، فضلاً عن حضوره الكبير في ثقافة المجتمع الإيراني على مدى القرون القليلة الماضية، كانت هي الدافع والمحفز للتعرف بشكل أفضل إلى أفكاره. إن موضوع الدنيا، هو واحد من أفكار أو معتقدات سعدي التي يجب أن ندرسها، نظراً لأهميتها، فقد كانت هذه القضية دائماً موضع نقاش بين مختلف الأفكار والمدارس، إذ قدمت مجموعات مختلفة آراءً بشأن هذا الموضوع وفقاً لمعتقداتهم، لذلك فإن أهمية كيفية التعامل مع الدنيا من جهة ومكانة سعدي المرموقة في ثقافة المجتمع الإيراني من جهة أخرى، تجعلنا ندرس موضوع الدنيا في آثاره للتعرف إلى طريقته في التفكير فيها. في هذه المقالة، والتي تجري بطريقة تحليل المحتوى، نشرح ونحلل الجوانب المختلفة لموقف شيخ شيراز (سعدي) تجاه موضوع الدنيا. إن ما سيجري مناقشته في هذا البحث، هو أن سعدي لديه نظرة متوازنة للدنيا بسبب تأثره بالتعاليم الدينية و لما يتمتع به من عبقرية فذة؛ وإن مدحه للدنيا إلى جانب ذمه لها، لا يعد تناقضاً فحسب، إنما يظهر النظرة المتوازنة والعادلة للشيخ سعدي في موضوع الدنيا.

الكلمات المفتاحية: سعدي ، كليات سعدي ، الدنيا ، الدين الإسلامي ، الآخرة.

درس های اخلاقی سعدي درباره ی گرایش به دنیایا و دنیاداری

چکیده

گسترده‌گی حوزه‌ی افکار سعدي، مشحون بودن آثار او از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلام دی‌گر بزرگان دینی و همچنین حضور چشمگیر او در فرهنگ جامعه‌ی ایرانی در طول چند قرن گذشته، انگیزه و دلیلی می‌شود تا از مجموعه‌ی افکار او آگاهی بیشتری کسب کنیم. از جمله اعتقادات سعدي که شایسته است به بررسی آن بپردازیم، موضوع دنیاست؛ چراکه این موضوع، به علت اهمیت آن، همواره در میان اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون، محل بحث بوده است و گروه‌های مختلف بنابر عقاید خود در این باره نظراتی ارائه کرده‌اند. بنابراین، اهمیت چگونگی برخورد با دنیا از یک طرف و جایگاه والای سعدي در فرهنگ جامعه‌ی ایران از طرف

دیگر، ما را بر آن می‌دارد تا موضوع مذکور را از خلال آثار وی مورد بررسی قرار دهیم و با طرز تفکر او در این باره آشنا شویم. از این رو، در نوشتار حاضر که به روش تحلیلی محتوا انجام می‌شود، جنبه‌های گوناگون نگرش شیخ شیراز را به موضوع مذکور تبیین و تحلیل می‌کنیم. آنچه در این جستار مطرح خواهد شد این است که سعدی بنابر تأثیرپذیری از آموزه‌های دینی و برخورداری از نبوغ ذاتی، نگاهی متعادل به دنیا دارد و ستایش‌هایش از دنیا در کنار نکوهش‌های وی از آن، نه تنها تناقض محسوب نمی‌شود، بلکه نشانگر دیدگاه متعادل شیخ شیراز به موضوع مذکور است.

کلیدواژه‌ها: سعدی، کلیات سعدی، دنیا، دین اسلامی، آخرت.

مقدمه

معمولاً یکی از راه‌های شناخت ادیبان بزرگی که با روزگار آنان فاصله داریم جستجو و بررسی آرا و افکار گوناگون آنان از لابلائی آثارشان است، چراکه از رهگذر تحلیل همه‌جانبه‌ی آثار هر شاعر یا نویسنده‌ای می‌توان به دریافت بهتر و روشن‌تری از آفریننده‌ی اثر و دنیای اندیشه و تفکر او نایل شد. جستجو در کلیات آثار سعدی شیرازی که در شمار یکی از «چهار سخنگوی وجدان ایران» به شمار می‌آید، می‌تواند آگاهی و شناخت ما را از وی و افکارش کامل‌تر کند. «دنیای» از جمله موضوعات مهم آثار شیخ شیراز است که به صورت گسترده بدان پرداخته شد. سعدی با فصاحت و بلاغت خاص خود و با بیانی گیرا و دلپذیر، نگرش خود را درباره‌ی دنیا بیان می‌کند. گاه از دنیا و تعلقات دنیوی به بدی یاد می‌کند و ضمن برشمردن ویژگی‌ها و صفات منفی برای آن، معتقد است دنیا در قیاس با سرای باقی، فاقد ارزش است و دلبسته‌ی بدان، سعادت اخروی خود را از دست می‌دهد و گاه نیز با دیده‌ی مثبت به آن می‌نگرد و از آن ستایش می‌کند. شایان ذکر است که باورمندی شیخ به اتقان صنع و نظام تکوینی عالم در کنار دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضاد وی، پرسشی کلی پیش می‌آورد و آن اینکه وی در نگرش به دنیا بیشتر به کدام سمت گرایش داشته؟ و به طور کلی دنیا در کلیات سعدی شیرازی چگونه بازتاب یافته است؟ در ذیل، انواع دیدگاه‌های شیخ شیراز درباره‌ی موضوع مورد بحث، توضیح داده می‌شود.

دنیای منفی و ویژگی‌های آن

یکی از دیدگاه‌های سعدی درباره‌ی دنیا، نگرش منفی وی به آن است. در این نگرش، شیخ شیراز دنیا و تعلقات آن را به شدت نکوهش می‌کند. از جمله روش-

این سرایی است که البته خلل خواهد کرد خنک آن قوم که در بند سرای دگرند
(همان: ص ۸۵۹)

۲- ز دنیا وفاداری امید نیست

بیوفایی نیز از جمله ویژگی‌های منفی دنیاست که در آثار منظوم و منثور شیخ، بدان پرداخته شده است. در باب اول «بوستان»، بخشی به «گفتار اندر بیوفایی دنیا» اختصاص داده شده که در آن، با تلمیح به سرگذشت حضرت سلیمان (ع) بر غداری و بیوفایی دنیا تأکید شده است:

جهان ای پسر ملک جاوید نیست ز دنیا وفاداری امید نیست
نه بر باد رفتی سحرگاه و شام سریر سلیمان علیه السلام؟
(بوستان: ص ۶۵)

به نظر می‌رسد که بیوفایی دنیا در ذهن سعدی به گونه‌ای با داستان حضرت سلیمان (ع) و تخت و حشمت پادشاهی او پیوند داشته است: دانی که بر نگین سلیمان چه نقش بود؟ دل در جهان مبند که با کس وفا نکرد خرم تتی که حاصل عمر عزیز را با دوستان بخورد و به دشمن رها نکرد

(کلایات: ص ۹۱۵)

در مجلس چهارم از مجالس پنج‌گانه نیز، دنیا به عاشقی هزار معشوق تشبیه می‌شود که هرگز به هیچ کدام از آنها وفادار نمی‌ماند: «جوانمردا، دنیا چون تو معشوق بسیار داشت و با کسی وفا نکرد با تو هم نکند» (سعدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶۵).

۳- دنیا آن قدر ندارد که بر او رشک برند

از جمله ویژگی‌های منفی دنیا، بی‌ارزشی آن است. از نظر سعدی، بهتر است که انسان نسبت به این دنیای بی‌ارزش، بی‌اعتنا باشد و آن را کعبه‌ی مقصود خود قرار ندهد:

دنیا آن قدر ندارد که بر او رشک برند ای برادر که نه محسود بماند و نه حسود
(همان: ص ۸۶۱)

این ویژگی در یکی از قطعات نیز به چشم می‌خورد و سعدی ضمن حقی‌شمردن جاه و مقام دنیوی، مخاطب کلام خود را از دلبستگی و فریفته شدن به دنیا برحذر می‌دارد و از او می‌خواهد تا دیر نشده، حب جاه و مقام را ترک نماید:

دل مبند ای حکیم بر دنیا که نه چیزی است جاه مختصرش

شکر آنان خورند از این غدار
 که ندانند زهر در شکرش
 پیش از آن کز نظر بی‌فکندت
 ای برادر بی‌فکن از نظرش
 (همان: ص ۹۳۲)

وی معتقد است که آدمی در دنیا هر اندازه مال و ثروت داشته باشد، در آخر فقط یک کفن با خود می‌برد و در واقع از تمام دنیا و مال دنیوی تنها همان یک کفن نصیبش می‌شود. بی‌ارزشی دنیا از نظر وی به اندازه‌ای است که حتی می‌گوید اگر انسان از آن، با حالت تهی‌دستی و ناداری رحلت کند، بهتر است از این‌که همچون شاهان دارا باشد. این نوع نگرش از جمله مواردی است که نگاه منفی سعدی به دنیا به‌وضوح از آن استنباط می‌شود:

اگر کشورخدای کامران است و گر درویش حاجتمند نان است
 در آن ساعت که خواهند این و آن مُرد نخواهند از جهان بیش از کفن بُرد
 چو رخت از مملکت بر بست خواهی گدای—ی بهتر است از پادشاهی
 (گلستان: ص ۱۰۷)

نکته‌ی دیگری که گفتن آن خالی از فایده نیست این است که طرفداری‌های سعدی از درویشی که در نمونه‌ی بالا و بسیاری از شواهد دیگر در جای جای آثار وی مشاهده می‌شود، در حالی است که خود او زندگی همراه با آسایش و ناز و نعمتی داشته است و همچنان که گفته اند « سعدی با همه‌ی سیری که در قلمرو سلوک داشته است، از زندگی مرفهی برخوردار بوده است و مثل رجال عصر، سرای او نگهبانان و دربانهای داشته است که از نزدیکی شدن افراد بدانجا جلوگیری می‌کرده‌اند و شیخ شیراز در سرای اشرافی خود مانند امیران و پادشاهان زندگی می‌کرده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

۴- دنیا همین ساعتی بیش نیست

زودگذری و کوتاهی عمر دنیا از دیگر صفات منفی است که شیخ شیراز برای توصیف دنیا از آن استفاده کرده است. افسح المتکلمین در «حکایات درویش صادق و پادشاه بی‌دادگر» از زبان درویش خطاب به پادشاه، به زودگذری و کوتاهی عمر دنیا اشاره می‌کند و همانند بسیاری از شواهد دیگر، مخاطبان خود را به تلاش برای کسب نیکونامی دعوت می‌کند:

مرا بار غم بر دل ریش نیست
 دنیا همین ساعتی بیش نیست
 نه گر دستگیری کنی خرمم
 نه گر سربری در دل آید غمم
 تو گر کامرانی به فرمان و گنج
 دگر کس فرو مانده در ضعف و رنج

به دروازه‌ی مرگ چون در شویم به یک هفته با هم برابر شوی
 منه دل بادین دولت پنج روز به دود دل خلق، خود را مسوز
 نه پیش از تو بیش از تو اندوختند به بیداد کردن جهان سوختند؟
 (بوستان: صص ۷۰—۷۱)

سعدی در «گلستان»، کوتاه بودن عمر دنیا را این گونه بیان می‌کند: «جان در حمایت یک دم است و دنیا وجودی میان دو عدم؛ دین به دنیا فروشان خرنند، یوسف بفروشدند تا چه خرنند؟» (سعدی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱). شایان ذکر است که غلامحسین یوسفی در شرح عبارت مذکور می‌گوید: «شیخ اجل در اینجا به کلام منسوب به امیر المؤمنین، علی (ع)، توجه دارد:

ما فات مضي وما سيأتيك فأين قم فاغتنم الفرصة بين العدمين»

(گلستان: ص ۵۳۷)

۵— پس خلایق فریفته است این سیم

دی‌گر خصوصیت منفی که سعدی برای دنیا و تعلقات دنیوی ذکر می‌کند «فری‌بندگی و غداری» است. از نظر شیخ شیراز، دنیا و دلبستگی‌های دنیوی، مایه‌ی فریب انسان‌هاست که این امر سبب تشویش خاطر اهل دل است:

بس خلایق فریفته است این سیم که تو لرزان بر او چو سیمایی

(کلایات: ص ۱۰۰۶)

شاعر عارف ما معتقد است که انسان مغرور و فریفته‌ی دنیا، دچار خودبینی و در واقع دچار غرور کاذب است، پس نمی‌توان از او انتظار سیر و سلوک شایسته در جاده‌ی دین و شریعت داشت:

ز مغرور دنیا ره دین مجوی خدابینی از خویشتن بین مجوی

(بوستان: ص ۱۱۶)

شیخ شیراز ضمن مرثیه‌ای که در مرگ سعد بن زنگی سروده به خوی و خصلت غداری دنیا اشاره نموده و آدمی را از اعتماد به آن برحذر داشته است: بس اعتماد مکن بر دوام دولت دهر که آزموده‌ی خلق است خوی غدارش

(کلایات: ص ۱۰۲۱)

۶— ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید

خصوصیت منفی دیگری که سعدی برای دنیا ذکر می‌کند، غیرقابل اعتماد بودن دنیا و مظاهر آن است. گفتنی است که اگر سعدی از غیر قابل اعتماد بودن دنیا سخن می‌گوید، همزمان، از آن چیزی که بتوان به آن اعتماد کرد نیز سخن

می‌گوید. آنچه افصح المتکلمین آن را قابل اعتماد می‌داند سرای آخرت است و معتقد است انسان باید با حسن عمل در این دنیا، آن را آبادان سازد:

سرای آخرت آباد کن به حسن عمل که اعتماد بقا را نشاید این بنیان
بس اعتماد مکن بر دوام دولت و عمر که دولتی دگرت در پی است جاویدان
(همان: ص ۹۹۲)

مصلح بن عبدالله معتقد است هر چیزی که از زمره‌ی ممکنات و حادثات است، نابودشدنی است و هر چیزی هم که نابودشدنی است غیر قابل اعتماد است:

گمان مبر که جهان اعتماد را شاید که بی عدم نبود هر چه در وجود آید
(همان: ص ۱۰۹۱)

دنیای مثبت و ویژگی‌های آن

سعدی در نگرش به دنیا، تنها صورت منفی و نکوهی‌دهی آن را در نظر ندارد، بلکه با جستجو در آثار وی به خوبی مشخص می‌شود که اگرچه شیخ شیراز برای دنیا و تعلقات دنیوی مکرراً صفات نکوهی‌دهی بر می‌شمارد، اما در عین حال، جلوه‌های مثبت و پسندی‌دهی دنیا را نیز در نظر دارد. او، هرچند، گاهی سیم و زر و متاع دنیوی را نفی و دفع می‌کند، گاهی نیز معتقد است که همین سیم و زر می‌تواند عامل تأمین آرامش دنیوی و سعادت اخروی انسان باشد.

۱- دنیا خوش است و مال عزیزی است و تن شریف

در آثار سعدی شواهد زیادی مبنی بر ستایش دنیا، مال و مالداری و همچنین ستایش دیگر تعلقات دنیوی مندرج است. در این گونه شواهد، شیخ شیراز نگاهی کاملاً مثبت به دنیا و تعلقات آن دارد و مخاطبان کلام خود را به مالداری دعوت می‌کند. وی در نگاه مثبت خود به دنیا معتقد است که مال وسیله‌ی کسب قدرت و اعتبار است و کسی که مال ندارد گویی در دنیا غریب است: « هر که را زر در ترازو است زور در بازو است و آن که بر دینار دسترس ندارد در همه دنیا کس ندارد.

هر که زر دید سر فرود آرد و تر ازوی آهنین دوش است »

(گلستان: ص ۱۴۶)

در «گلستان» داستانی آمده است که کاملاً با موضوع مورد بحث تناسب دارد. این داستان «جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی» نام دارد. در ذیل، چند نمونه از جانبداری‌های او از ثروت و ثروتمندی در حکایت مذکور بیان می‌شود، نمونه‌هایی که بی‌هیچ توضیحی، بی‌انگیز این نوع اعتقاد سعدی هستند:

« توانگران دخل مسکینانند و ذخیره‌ی گوشه‌نشینیان و مقصد زایران و کھف مسافران و محتمل بار گران از بهر راحت دگران » (سعدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳).

« اگر قدرت جودست و گر قوت سجود توانگران را به می‌سر می‌شود که مال مزگی دارند و جامه‌ی پاک و عرض مصون و دل فارغ؛ و قوت طاعت در لقمه‌ی لطیف است و صحت عبادت در کسوت نظیف. پی‌داست که از معده‌ی خالی چه قوت آید و از دست تهی چه مروّت و از پای بسته چه سیر آید و از دست گرسنه چه خیر.

شب پراگنده خُسبِ آن که پدید نبود وجه بامدادانش
مور گرد آورد به تابستان تا فراغت بود زمستانش

فراغت با فاقه نپی‌وندد و جمعیت در تنگدستی صورت نبندد؛ یکی تحرّمه‌ی عشا بسته و دی‌گری منتظر عشا نشسته، هرگز این بدان کی ماند؟

خداوند مُکنت به حق مُشتغل پراگنده روزی، پراگنده دل «

(گلستان: ص ۱۶۳)

« مشغول کفاف از دولت عفاف محروم است و ملک فراغت زیر نگیں رزق معلوم » (سعدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴).

« صاحب دنیا به عین عنایت حق ملحوظ است و به حلال از حرام محفوظ » (سعدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵).

۲- الدنيا مزرعة الآخرة

از جمله نمونه‌های جالبی که می‌توان نگرش مثبت سعدی را به دنیا مشاهده کرد جای است که وی، دنیا را مزرعه آخرت می‌داند و می‌گوید این دنیای مادی می‌تواند مکانی برای تحصیل سعادت اخروی باشد. از نظر وی، کسی که از این فرصت استفاده نکند چیزی جز حسرت نصیبش نمی‌شود:

به دنیا توانی که عقبی خری بخر، جان من، ورنه حسرت بری

(بوستان: ص ۸۳)

از نظر سعدی، کسانی که دینار و درم خود را توشه‌ی راه آخرت قرار نمی‌دهند، اسباب ادبار و تیرمروزی خود را فراهم می‌کنند. همچنین بر این است که برخوردار از دنیا و آخرت در گرو بخشش مال و کرم به خلق خداست. این دیدگاه در ابیات ذیل، قابل استنباط است:

آن کس که به دینار و درم خیر نیندوخت سر عاقبت اندر سر دینار و درم کرد
خواهی که ممتع شوی از دنیوی و عقبی با خلق کرم کن چو خدا با تو گرم کرد

(گلستان: ص ١٦٩)

شیخ شیراز در مجلس اول از مجالس پنجگانه ناظر به حدیث نبوی، دنیا را کشتزار آخرت می‌بیند که باید در آن بندگی حق را به جا آورد: «در مزرعة دنیا به زراعت اطاعت اجتهاد نماید که الدنيا مزرعة الآخرة» (سعدی، ١٣٨٨، ص ١١٥٦).

وی بهشت را نصیب بندگانی می‌داند که از مزرعه دنیا زاد و توشه‌ی خود را برمی‌دارند: «اگر امروز از مزرعه دنیا توشه برداری، فردا به بهشت باقی فرود آیی» (سعدی، ١٣٨٨، ص ١١٥٦).

٣- زر از بهر خوردن بود ای پدر

سعدی، داشتن مال و ثروت را نکوهش نمی‌کند، بلکه «داشتن مال و خرج نکردن آن را» ناپسند می‌داند. این نوع نگرش سعدی را در «حکایت پدر بخیل و پسر لا ابالی» به وضوح می‌بینیم. در حکایت مذکور، سعدی می‌گوید انسان نباید زر و سیم را ذخیره کند و تنها به فکر انباشتن مال دنیوی باشد؛ چراکه مال برای خوردن و خرج کردن است و اصلاً زر و سیم را برای خرج کردن و استفاده کردن، از معدن جدا می‌کنند و به سکه رایج تبدیل می‌کنند. همچنین می‌گوید انسان قبل از اینکه طعمه‌ی «کرم گور» شود و مال و ثروتش بر باد برود، بهتر است که از آن متمتع شود:

ی‌کی زهره خرج کردن نداشت	زرش بود و یارای خوردن نداشت
نه خوردی، که خاطر برآسایدش	نه دادی، که فردا به کار آیدش
شب و روز در بند زر بود و سیم	زر و سیم در بند مرد لئیم
بدانست روزی پسر در کمین	که ممسک کجا کرد زر در زمین
ز خاکش برآورد و بر باد داد	شنی‌دم که سنگی در آن جا نهاد
جوانمرد را زر بقای نکرد	به یک دستش آمد، به دی‌گر بخورد
پدر زار و گریان همه شب نخفت	پسر بامدادان بخندی و فست
زر از بهر خوردن بود ای پدر	از بهر نهادن چه سنگ و چه زر
زر از سنگ خارا برون آورند	که با دوستان و عزیزان خورند
زر اندر کف مرد دنی‌پرست	هنوز ای برادر به سنگ اندرست

(بوستان: صص ٩٥ - ٩٦)

سودجستن از مال دنیوی در «حکایت ممسک و فرزند خلف» نیز ذکر شده است. سعدی در این حکایت، از زبان پسری که پس از پدرش مال بسیاری می‌راث

می‌یابد و آن را میان دی‌گران تقسیم می‌کند و خودش نیز از آن منتفع می‌شود، به شخصی که وی را از این بخشش و خرج کردن منع می‌کند، می‌گوید:

پراکنده دل گشت از آن عیب جوی	برآشفت و گفت ای پراکنده گوی
مرا دستگاهی که پیرامن است	پدر گفت میراث جد من است
نه ایشان به خست ننگه داشتند	به حسرت بمردند و بگذاشتند؟
همان به که امروز مردم خورند	که فردا پس از من به یغما برند
خور و پوش و بخشای و راحت رسان	نگه می چه داری ز بهر کسان؟
زر و نعمت اکنون بده کان تست	که بد از تو بیرون ز فرمان تست
به دنیا توانی که عقبی خری	بخر، جان من، ورنه حسرت بری

(همان: ص ٨٣)

٤- آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

در بررسی نگرش مثبت سعدی به دنیا، موضوع دی‌گری نیز وجود دارد و آن این است که شیخ شیراز، دنیا را عاملی بسیار مناسب برای پندآموزی و عبرت‌گرفتن و تأدیب می‌داند. وی همزمان که از ترک دلبستگی به دنیا سخن می‌گوید و انسان را به کسب نیکونامی دعوت می‌کند، معتقد است داستان‌های تاریخی که در کتاب‌های همچون «شهنامه» ثبت است، برای این است که انسان از گذر روزگاران و سرگذشت دی‌گران عبرت بگیری و به دنیا و کار دنیا به دی‌دهی عبرت بنگرد:

بس بگردید و بگردد روزگار	دل به دیها در نیندد هوشیار
ای که دستت می‌رسد کاری بکن	پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
اینکه در شهنامه‌ها آورده‌اند	رستم و رویین تن و اسفندیار
تا بدانند این خداوندان ملک	کز بسی خلق است دنیا یادگار
این همه رفتند و مای شوخ چشم	هیچ نگرفتیم از ایشان اعتبار

(کلایات: ص ٩٧٧)

امام علی (ع) نیز دنیا را محلی برای عبرت‌گیری می‌داند و می‌فرماید: «و إنما ينظر المؤمن إلى الدنيا بعين الاعتبار و يقنات منها ببطن الإضطرار؛ و همانا مرد با ایمان، به جهان به دی‌دهی عبرت می‌نگرد و از آن به اندازه‌ی ضرورت می‌خورد».

سعدی در «گلستان» نیز از این ویژگی دنیا یاد می‌کند و می‌گوید «هر که به تأدیب دنیا راه صواب نگیرد به تعذیب عقبی گرفتار آید» (سعدی، ١٣٨٩، ص ١٨٧).

اعتقاد سعدی به احسن بودن نظام آفرینش

اعتقاد به نظام احسن یا «اتقان صنع»، موضوعی است که در آثار ادبی این مرز و بوم تا حدود زیادی انعکاس داشته است. «ظاهراً ارسطو و پس از او فلوپین، نظریه اتقان صنع را مطرح نموده‌اند و این اندیشه پس از اسلام مورد استقبال گروه اخوان صفا و ابن سینا و سپس غزالی و سنایی و دیگر عارفان قرار گرفته است» (حسینی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۰۷).

سعدی شیرازی نیز در نگرش مثبت خود به دنیا و مافیها، معتقد است که جهان موجود، «بهترین» است و خداوند با علم بی‌کران خود، دنیای بی‌خلق کرده است که هیچ عیب و نقصی بدان راه نیافته است. از این رو، یک جنبه از نگرش سعدی به دنیا، «اعتقاد به نظام احسن» است.

پرسش بسیاری مهمی که قبل از بررسی موضوع «اتقان صنع» از منظر شیخ شیراز باید مطرح شود، این است که اگر سعدی به «نظام احسن» معتقد است چرا در آثار خود به کرات از بدیها و خصوصیات منفی دنیا سخن می‌گوید؟ پاسخ اجمالی به این پرسش این است که آنجایی که شیخ اجل از ویژگی‌های منفی دنیا سخن می‌گوید و دیدگاهی منفی درباره دنیا دارد، مرادش این نیست که تمام دنیا و مافیها بد و نکوهیده است. سعدی زمانی دنیا را نکوهش می‌کند که بر روی زمین و میان اجتماع حضور دارد و در این وضعیت به تمام پیامدهای منفی می‌اندیشد که دنیا می‌تواند داشته باشد، می‌پردازد؛ و در واقع نگاه او، نگاهی است که در همین جهان شکل می‌گیرد و به همین جهان نیز معطوف می‌شود. اما زمانی که وی از «نظام احسن» سخن می‌گوید با نگرشی الهی به دنیا نگاه می‌کند و چون نگاه او نگاه دینی است، همه چیز را نیک می‌بیند. گویی که وی زمانی که به «اتقان صنع» معتقد است به طور کامل فراتر از این جهان قرار می‌گیرد و از عالم بالا به آن می‌نگرد، از این رو باید گفت اگر سعدی پاره‌ای از ویژگی‌های منفی را برای دنیا ذکر می‌کند به این معنا نیست که جهان آفرینش فی نفسه ناقص است، بلکه این موضوع بازتاب ساحت انسانی اندیشه‌ی سعدی است و زمانی که وی عینک دین را به چشم می‌زند و با نگاهی آسمانی و الهی به جهان و مافیها می‌نگرد همه چیز را «بهترین» و «کاملترین» می‌بیند. با این توضیحات، تناقض احتمالی که ممکن است در پیوند مطالب دو بخش پیشین (دنیای مثبت و دنیای منفی) و بخش حاضر، متصور شود، رفع خواهد شد.

سعدی معتقد است که خداوند اجزای بدن آدمی را به نیکوترین صورت، آفریده است و هیچ کس نباید بر آفرینش وی اعتراض کند. از نظر او «خردمگیری بر کمال حکمت و اتقان صنعت وی از سبکساری و نابخردی است»: (سعدی، ۱۳۷۹، ص ۷۱۸).

ببین تا یک انگشت از چند بند به صنع الهی به هم در فگند
پس آشفستگی باشد و ابلهی که انگشت بر حرف صنعش نهی
(بوستان: ص ۱۷۲)

سعدی بر این باور است که هر کاری که خداوند انجام می‌دهد، مطلوب است و این‌که چیزهایی ناپسند و زشت در این جهان مشاهده می‌کنیم، نشان‌دهنده نقص در خلقت جهان آفرینش نیست، بلکه این موضوع به دلیل کژبینی بینندگان است و هیچ‌گاه در کار خداوند، ظلم و بی‌دادی وجود ندارد:

سر قبول بیاید نهاد و گردن طوع که هر چه حاکم عادل کند نه بی‌داست
کلید فتح اقالیم در خزاین اوست کسی به قوت بازوی خویش نگشادست
به چشم طایفه‌ای کژ همی نماید نقش گمان برند که نقاش غیر استادست
اگر تو دیده وری نیک و بد ز حق بینی دو بینی از قبیل چشم حول افتادست
(کلیات: ص ۹۵۸)

از نظر وی خداوند متعال، به هر کس هر چیزی که شایسته‌ی او بوده، داده است و اگر گاهی تفاوتی میان داشته‌های مردمان دیده می‌شود، بی‌شک در پس این تفاوت، سبب و مصلحتی نهفته است:

دادار که بر ما در قسمت بگشاد بنیاد جهان چنان که بایست نهاد
آن را که نداد، از سببی خالی نیست دانت سُرُو به خر نمی‌باید داد
(همان: ص ۱۰۷۱)

همان‌طور که گفته شد، نگاه عارفانه و الهی سعدی به دنیا دلیلی می‌شود که او دنیای موجود را بهترین جهان ممکن بداند و همچنان که گفته‌اند «آنچه نظری‌هی کلامی و فلسفی «نظام احسن» می‌خوانند، با تأمل در مجموعه‌ای از آنچه در چشم «جهان بین» ستیز ناسازها می‌آید، شکل می‌گیرد، اما در «نظر خدای بینان» که تنها بر مبنای «طلب هوا» به آن نمی‌نگرد، هم بد و زشت جهان به حقیقت چندان زیاد نیست و هم حکمت بالغه‌ای در پس همین عناصر به ظاهر بد و ناگوار نهفته است. ساده‌ترین منطق آن این‌که اگر نمونه‌ها و نمونه‌هایی از آنچه زشت و ناپسند

می‌بینیم، نباشد، زی‌بایی‌ها و نیکی‌ها و شادی‌ها چگونه شناخته می‌شود؟»
(حمیدیان، ۱۳۸۳، صص ۲۰۲ - ۲۰۳).

دنیایا در برابر دین و آخرت

نکته دی‌گری که در بررسی نگرش سعدی به دنیا به دست می‌آید، این است که وی، گاهی دنیا را با دین مقایسه می‌کند و دین را بر دنیا برتری می‌دهد و توصیه می‌کند که دین خود را به دنیایان نفروشد. گاهی نیز دنیا را در تقابل با آخرت قرار می‌دهد و می‌گوید انسان‌ها می‌تواند دنیا را داشته باشد یا آخرت را و این هر دو در یکجا جمع نمی‌شوند و آدمی نمی‌تواند هر دو را با هم داشته باشد. از این رو پرسشی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه، چگونه ممکن است سعدی در یکجا داشتن دنیا را نیکی بداند و آن را نه تنها در تقابل با آخرت نبیند، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت اخروی قلمداد کند و در عین حال، گاهی دنیا و آخرت را کاملاً در تضاد با همدیگر به حساب آورد که دستیابی به یکی از آنها از دست دادن دی‌گری را در پی دارد؟ پیش از این، گفتیم که ستایش دنیا از یک سو و مذمت آن از سوی دی‌گر، در کلام سعدی نوعی تناقض است. در اینجا اضافه می‌کنیم اعتقاد به تقابل دنیا و آخرت، و اعتقاد به وسیله بودن دنیا برای رسیدن به سعادت اخروی، تناقض دی‌گری است که به وضوح در کلام شیخ شیراز مطرح شده است. در اینجا فقط نمونه‌هایی از «برتری دین بر دنیا» و «تقابل دنیا و آخرت» ذکر می‌شود تا پس از تبیین همگی شواهد، در جای مناسب خود تحلیل شوند.

۱- به دین ای فرومایه دنیا مخر

سعدی در بی‌تی، دین را به انجیل و دنیا را به خر تشبیه می‌کند و می‌گوید: نباید دین را وسیله‌ای برای به دستیابی به دنیا قرار داد. این موضوع به روشنی، ارزشمندی دین را نسبت به دنیا در نگاه سعدی نشان می‌دهد:

به دین ای فرومایه دنیا مخر تو خر را به انجیل عیسی مخر

(بوستان: ص ۱۴۶)

برتری دین بر دنیا در این بیت از قصاید نیز به روشنی نمایان است:

تو به دین ارجمند و نی‌کونام نه به دنیا و ملک و اسبابی

(کللیات: ص ۱۰۰۷)

۲- الدنيا و الآخر ضرّتان

همان طور که پیشتر ذکر شده است سعدی در بعضی مواضع از آثار خود معتقد است که انسان‌ها می‌توانند دنیا را داشته باشند یا آخرت را و دستیابی او به هر کدام از آنها، محرومیت از دیگری است.

شیخ شیراز در بیت ذیل، دستیابی به نعمت‌های سرای باقی را در گرو ترک دنیا می‌داند و می‌گوید انسان نمی‌تواند همزمان دنیا و آخرت را «یک جا» داشته باشد:

ترک دنیا نکنی نعمت عقبی طلبی؟ این دو عالم به تو یک جای مسلم نشود
(همان: ص ۱۱۰۶)

سعدی در مجلس سوم از مجالس پنج‌گانه، در فضای ناب و عارفانه، دنیا و آخرت را در تقابل با هم قرار داده است: «جوانمردا هرگز گمان مبر که عشق دنیا و شوق عقبی با هم راست آید. «الدنیا و الآخرة ضررتان اذا رضیت احدهما سخطت الأخری» یا دنیا را توانی بودن یا عقبی را، یا هوا را توانی یا خدا را. اما آنکه هم دنیا خواهی و هم آخرت را، آن به کاری نهاید، چه دوستی او سلطانی است که با کسی نسازد. «اندر ره عشق یا تو گنجی یا من»، از عشق او آتشی برافروز، آن گاه بدان آتش دنیا را بسوز، پس عقبی را، چون دنیا و عقبی سوختی، خود را بسوز که در راه او همچنان که دنیا و عقبی زحمت اند، نهاد تو هم زحمت است (سعدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶۳).

استفاده از روش تلمیح و تضمین در نگرش به دنیا

۱- تلمیح

این صنعت جزو بدیع معنوی است و زمانی پدید می‌آید که «گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند» (همای، ۱۳۷۱، ص ۳۲۸).

توجه سعدی به تعالیم دینی برای او ظرفیت‌ها و اندوخته‌هایی از قرآن و اندیشه‌های بزرگان اسلام فراهم آورده است و او به مقتضای کلام، هر جا که لازم است از آن اندوخته‌ها استفاده می‌کند و چون گرایشش به افکار اسلامی زیاد است، متعاقباً بیانات دینی نیز در کلامش باز نمود زیادی پیدا کرده است.

شیخ شیراز در جای دیگری دنیا را این گونه توصیف می‌کند: «جوانمردا، چه کنی سرایی را که اولش سستی، میانش پستی و آخرش زیستی است؟ سرایی که یک حد به فنا دارد و دوم به زوال و سوم به وبال؟» (سعدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶۷).

به نظر می‌رسد این دیدگاه سعدی برگرفته از سخن امام علی (ع) است که می‌فرماید: «ما أصف من دار أولها عناء و آخرها فناء؟، چه ستایم خانه‌ای را که آغاز آن رنج بردن است و پایان آن مردن؟» (شهی‌دی، ۱۳۷۲، ص ۵۹).

سعدی در جایی، از دنیا به سرای غرور یاد می‌کند و سبکباری و بی‌گناهی را برای رهایی از این سرای غرور مورد ستایش قرار می‌دهد و می‌گوید:
جهان سرای غرور است و دی و نفس و هوا عفا الله آنکه سبکبار و بی‌گناه بجست
(کلیات: ص ۱۰۱۸)

این دیدگاه سعدی را می‌توان تلمیحی به این کلام الهی دانست: «... و ما الحیوة الدنیا إلا متاع الغرور؛ زندگی دنیا چیزی جز سرمای‌ه فریب نیست» (سوره مبارکه آل عمران: آیه ۱۸۵). همچنین ممکن است سعدی به این سخن پیامبر (ص) نیز نظر داشته است: «یا عجبا گل العجب للمصدق بدار الخلود و هو یسعی لدار الغرور؛ سخت در عجبم از آن که خانه‌ی جاوید را باور دارد و برای خانه‌ی غرور بکوشد» (پای‌نده، ۱۳۷۷، ص ۷۹۹).

و باز، دی‌گر سخن حضرت محمد (ص) را درباره‌ی دنیا که می‌فرماید: «الدنیا جسر الاخره» (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۵۲) به نظم در می‌آورد و خود به این موضوع این گونه اشاره می‌کند:

دنیا که جسر آخرتش خواند مصطفی جای نشست نیست بیاید گذار کرد
(کلیات: ص ۹۶۳)

همچنین تشبیه دنیا به مزرعه آخرت در این کلام سعدی: «اگر امروز از مزرعه دنیا توشه برداری، فردا به بهشت باقی فرود آی» (سعدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵۶). برگرفته از حدیث نبوی «الدنیا مزرعة الآخرة» است.

افصح المتکلمین در کلام خود بارها گفته است که جهان بر آب قرار گرفته است و این دیدگاه وی تلمیحی است به یکی از عقاید مسلمانان درباره‌ی آفرینش. توضیح اینکه «در اساطیر اسلامی آمده است که چون آب به وجود آمد، خداوند آن را آرامش بخشی‌د و آنگاه ماهی را بر سر آب آفرید و بعد خاکی آفرید بر پشت ماهی و سپس گاو عظیمی آفرید بر پشت ماهی که زمین را بر روی سر وی آفرید» (شعار، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲). در اینجا نمونه‌هایی از این عقیده را ذکر می‌کنیم:

جهان بر آب نهاده است و زندگی بر باد غلام همت آنم که دل بر او نهاد
(کلیات: ص ۹۶۱)

نزدیکی دی‌دگاه سعدی در بیت ذیل، به مضمون این سخن امام علی (ع) که می‌فرماید: «القناعه مال لا ینفد، قناعت مالی است که پایان نیابد» (شهی‌دی، جعفر: ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۷۰). قابل تأمل است:

ای قناعت توانگرم گردان که و رای تو هیچ نعمت نیست

(گلستان: ص ۱۰۹)

افصح المتکلمین در بی‌تی دنیا را همچون قفسی می‌داند که سرانجام روزی به سعادت رهایی از آن نایل می‌شود:

سعدی تو نیز از این قفس تنگنای دهر روزی قفس بریده و مرغش پریده گیر

(کلایات: ص ۱۱۰۵)

احتمالاً سعدی در سرایش بیت مذکور، به حدیثی از پیامبر (ص) نظر داشته است، آنجا که حضرت (ص) می‌فرماید: «الدنیا سجن المؤمن وجنة الکافر؛ دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر» (پای‌نده، ۱۳۷۷، ص ۶۸۸).

در کلام سعدی شواهد دیگری نیز دیده می‌شود که می‌توان آنها را تلمیح به سخنان امام (ع) و صاحب (احیاء علوم الدین) دانست. مثلاً سعدی دنیا را به زن تشبیه می‌کند و می‌گوید:

دنیا زنی است عشوه ده و دلستان ولیک باکس به سر همی نبرد عهد شوهری

(کلایات: ص ۱۰۱۰)

غزالی نیز حدود یک قرن و نیم پیش از سعدی در «احیاء علوم الدین» در توصیف دنیا می‌گوید: «زنی خوب صورت را ماند که مردمان را به جمال خود خواند و سیرتی زشت دارد که راغبان وصال خود را هلاک گرداند و از طالبان بگریزد و با خاطبان نیامی‌زد و...» (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۱۷). تشبیه دنیا به زن در کلام سعدی چندین بار ذکر شده است. به نظر می‌رسد این نزدیکی کلام سعدی و غزالی، می‌تواند گونه‌ای مبهم و کمرنگ از تلمیح‌حاتی باشد که سعدی به سخنان صاحب «احیاء علوم الدین» داشته است.

افزون بر آنچه که گفته شد، بعید نیست که تشبیه دنیا به مار در بیت ذیل، تلمیحی به سخن امام علی (ع) یا غزالی باشد که در کلام خود، دنیا را به مار تشبیه کرده‌اند. اگرچه مسئله «توارد» را نیز باید در نظر گرفت. در اینجا، هم سخن سعدی و هم کلام امام علی (ع) و غزالی را می‌آوریم و قضاوت را به خواننده می‌سپاریم.

حضرت علی (ع) در حکمت ۱۱۹ می‌فرماید: «مثل الدنيا كمثل الحية لين مسها و السم الناقع في جوفها. يهوي إليها الغر الجاهل و يحذرها ذو اللب العاقل؛ دنیا همچون مار است، سودن آن نرم و هموار و درون آن زهر مرگبار. فریفته‌ی آن دوستی آن پذیری و خردمند دانا از آن دوری گیرد» (شهیدی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۱).

غزالی نیز آورده است: «دنیا را به مار تشبیه کرده‌اند و گفته‌اند: هی دنیا کدیة تنفث السم و ان كانت المجسة لانت : ای، دنیا است چون ماری که از دهن زهر اندازد و اگر چه جای بسودنش نرم باشد» (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۵۲).

شیخ شیراز نیز، همان گونه که پیشتر ذکر کردیم، دنیا را به ماری زی‌با و منقش تشبیه می‌کند که بر خلاف ظاهر زی‌بایش، باطنی خطرناک و زهری جانگزا دارد. از این رو توجه ارادت‌آمیز به این مار کشنده را منع می‌کند و می‌گوید:

مکن به چشم ارادت نگاه در دنیا که پشت مار به نقش است و زهر او قتال

(کلایات: ص ۹۸۵)

افزون بر تلمیحاتی که تاکنون به آنها اشاره شده است، سعدی در مجلس چهارم در قالب دو بیت عربی دنیا را به سایه و خواب تشبیه می‌کند و می‌گوید:

إِنَّمَا الدُّنْيَا كَطَلٍ زَائِلٍ أَوْ كَصَيْفٍ بَاتَ لَيْلًا فَارْتَحَلَ
أَوْ كَحَلْمٍ قَدْ رَأَهُ نَائِمٌ فَإِذَا مَا ذَهَبَ اللَّيْلُ بَطَلَ

(همان: ص ۱۱۶۶)

۲- تضمین

شیخ شیراز در نگرش به دنیا، برای بازتاب افکار خود که متأثر از آموزه‌های دینی است، از روش تضمین نیز بهره‌برده است. تضمین «آن است که شاعران در ضمن اشعار خود یک مصراع یا یک بیت و دو بیت را بر سبیل تمثیل و عاریت از شعرای دیگر بی‌آورند با ذکر نام آن شاعر یا شهرتی که مستغنی از ذکر نام باشد، به طوری که بوی سرقت و انتحال ندهد» (همای، ۱۳۷۱، ص ۲۱۷).

همچنان که ملاحظه می‌شود در تعریف مذکور، استفاده‌ی ادیبان از آیه‌ی یا حدیث را جزو تضمین به حساب نمی‌آورده‌اند، اما برخی دی‌گر از صاحب‌نظران معتقدند اگر شاعر یا نویسنده، آیه‌ی یا حدیثی را در کلام خود بگنجاند، از تضمین استفاده کرده است: «تضمین در لغت یعنی گنجانی‌دن، و در علم بدیعی عبارت از این است که شاعر آیتی یا حدیثی یا مصراعی یا بی‌تی یا دوبیتی از شعر یا نوشته‌ی شاعران و نویسنده‌گان پیشین یا معاصر را در سروده‌ی خود می‌آورد»

(حلبی، ۱۳۷۱، ص ۵۰). بر اساس این تعاریف، آیات و احادیثی را که سعدی در کلام خود گنجانیده است، جزو صنعت تضمین به حساب می‌آوریم.

یکی از نمونه‌هایی که سعدی در آن، برای بیان نگرش خود به دنیا از روش تضمین استفاده کرده، بخشی از کلام او در «مجلس چهارم» است که می‌گوید:

«خداوند زمین و آسمان چه می‌فرماید؟ ای بندگان من بدانید، بار خدایا چه بدانیم؟ «انما الحیوة الدنيا لعب ولهو وزینة» (به درستی و راستی که زندگانی دنیا بازی است و بازی کار کودکان بود و زینت و آرایش کار زنان است) «و تفاخر بی‌نکم و تکاثر فی الأموال و الأولاد» (و فخر کردن به یکدیگر به بسیاری مال و فرزندان) و این کار بی‌گانگان است. بار خدایا مثل زندگانی دنیا چیست؟ «کمثل غیث أعجب الکفار نباته». (بارانی است که بر زمین آید و گیاهی سبز بروی‌اند و روزی چند بماند و خرم باشد و خلق را به شگفتی آورد)، «ثم یهیج فتراه مصفراً» (پس به اندک روزگار خشک کرده شود و زرد شود). «ثم یكون حطاماً» (پس خاک گردد و از آن سبزی و طراوت هیچ نماند) «و فی الاخرة عذاب شدید و مغفرة من الله و رضوان» (در آخرت حال دو است و منزل دو: دوزخ بدبختان راست و بهشت نیکبختان را). «و ما الحیوة الدنيا إلا متاع الغرور» (و زندگانی دنیا نیست الا چیزی که بدان انتفاع گیرند و مغرور و فریفته گردند) (سعدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶۵). آنچه سعدی در این جا ذکر کرده است به تمامی، آیه ۲۰ سوره حدید است و این یکی، از جمله نمونه‌هایی است که قرآن کریم از دنیا نکوهش کرده است و سعدی آن را به تمامی در کلام خود آورده و خود او، آیات قرآنی را ترجمه کرده است. از این رو می‌توان عنوان «تضمین و ترجمه» را برای این مبحث نیز برگزید.

سعدی در جایی دیگر به منظور استوار نمودن کلام خود و نیز به جهت مؤکد کردن پیام مورد نظرش، آیاتی را از «قرآن کریم» تضمین می‌کند و می‌گوید:

«عاشق دنیا مرغی است کور و غافل. اگر این مرغ غافل مخلص و منقار از این دام و سوسه نگه دارد، و دل از این دانه‌ی وحشت عشق برهاند و گردن از کمند آن صیاد استاد بجهاند، از بطن عرش ندا آید: «و أما الذین سعدوا فی الجنة خالدین فیها» و اگر عیاداً بالله خار این متاع غرور در دامن رداء او آویزد و حلاوت این جیفه‌ی شیطان و دستمال فرعون و هامان به حلق او رسد و قدمش در کوی معاملت توحید بلغزد، نباید که از آن قوم باشد که «فأما الذین شقوا ففی النار لهم فیها زفیر».

در نمونه‌ی اخیر همزمان با تشبیه دنیا به اموری ناخوشایند، بخشی از آیات ۱۰۶ و ۱۰۸ سوره‌ی مبارکه «هود» تضمین شده است. نکته‌ی دیگر این‌که ای-ن دی‌دگاه سعدی درباره‌ی دنیا تلمیحی دارد به داستان فرعون و هامان که بر اثر فریفته شدن به دنیا از یاد خدا غافل ماندند و در نهایت هم در غفلت و غرور از دنیا رفتند.

به طور کلی می‌توان گفت تأثیرپذیری سعدی از آیات قرآنی و تضمین از آنها که گاه با ترجمه‌ی کلام الهی همراه است، دلیلی شده است تا اندیشه‌ی اسلامی در کلام وی به خوبی انعکاس یابد. «سعدی گاه طراز آیات را همچنان که هست بر گستره‌ی شعر و نثر خویش می‌نشانند، گاه معانی تنزیل را چون نشئه‌ای در پی و پی‌وند عبارات خود جاری می‌سازد و گاه با افزودن سجعی یا کاستن واژه‌ای از آیات، اوزان عروضی استخراج می‌کند. سوره‌های قرآن، صحنه‌ی گزینش مواد ارسال مثل و تلمیح و ترصیع سعدی است. سعدی معلمی است که تازیبانه‌ی تحذیرش از آیات عذاب است و مایه‌ی تدبیرش از ام‌الکتاب. کوتاه سخن این‌که، سعدی همه جا با «قرآن» است و «قرآن» همه جا با سعدی. در تغزل، در رثاء، در وصف، در مدح، در شیوه‌های وعظ و طامات و پند و در هنگامه‌های خشت و کوپال و گرز گران، در نثر و نظم، همه و همه جا سعدی با (قرآن) است و (قرآن) با سعدی» (مؤید شیری‌رازی، ۱۳۵۴، صص ۹۱۷-۹۱۸).

در جای‌ی دیگر، دنیا را به مزرعه‌ای تشبیه می‌کند که انسان باید از آن توشه-ی دنیای آخرت خود را فراهم نماید: «در مزرعه‌ی دنیا به زراعت اطاعت اجتهاد نمای‌ی که الدنيا مزرعة الآخرة» (سعدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵۶). گفتنی است که عبارت «الدنيا مزرعة الآخرة» از احادیث نبوی است که شیخ شیری‌رازی آن را با «تضمین» در ضمن کلام خود گنجانده است.

تحلیل تناقضات کلام سعدی درباره‌ی دنیا

یکی از تناقضات بارز در کلام سعدی این است که وی از یک طرف دنیا را به شدت نکوهش می‌کند و از طرف دیگر آن را با شور خاصی می‌ستاید و به ستایش توانگری و توانگران می‌پردازد. آنچه که به طور خلاصه در تحلیلی-ن تناقض می‌توان گفت این است که سعدی پرورده‌ی مکتب اسلام است و در بی‌ان عقاید و آرای خود، تحت تأثیر آموزه‌های دینی است، پس اگر در مواجهه با موضوع دنیا، راه و روش شریعت را در پیش گیرد و آنگونه که شریعت به دنیا می‌نگرد او نیز از همان دریچه به آن بنگرد، بسیار طبیعی است. چنانکه یکی

«گذر ساده و سطحی بر آثار این معلم اخلاق می‌تواند برای ما این نتیجه را به ارمغان آورد که تا چه پای‌ه از ای‌مان و اخلاص به «قران کریم» و سنت برخوردار بوده است. سعدی با الهام‌گیری از این دو منبع غنی، سخنان خود را سامان داد و بر اساس نقشه‌پردازی تعالیم اسلام، گفتار خود را در ابعاد مختلف انسانی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی معماری کرده است» (حجتی، ۱۳۸۳، ص ۹).

با توجه به موضوع مورد بحث، دیدگاه متناقض گونه‌ی دیگری که در کلام سعدی ملاحظه می‌شود و تا حدودی با دیدگاه پیشین ارتباط دارد، این است که وی یک موضع از آثارش به ستایش دنیا می‌پردازد و در موضعی دیگر دنیا را در تقابل با آخرت قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که اگر کسی به دنیا گرایش داشته باشد از توجه به عالم آخرت باز می‌ماند. در تحلیل این دیدگاه متناقض گونه، می‌توان به بررسی پیشین رجوع کرد؛ بدین معنا که اگر سعدی در یک جا دنیا را در مقابل دنیا و در تضاد با آن قرار می‌دهد، از دنیای سخن می‌گوید که به تمامی، انسان را شیفته‌ی خود می‌کند و با فریفتن آدمی، او را از تأمل در عالم معنا و مسائل الهی - انسانی باز می‌دارد. از این رو آن را در تقابل با سعادت اخروی می‌بیند. آنجا نیز که دنیا را ستایش می‌کند از دنیای سخن می‌گوید که می‌تواند وسیله‌ای بسویار عالی و شایسته برای دستیابی به آسایش اخروی باشد؛ به این ترتیب که انسان با استفاده از مال حلال دنیا، هم خود در آسایش زندگی می‌کند و هم آن را برای کمک به دیگران و آسودگی آنان هزینه می‌کند و بدین گونه، با استفاده از دنیا، به عمارت و آبادانی آخرت خود می‌پردازد. یکی از محققان معاصر، تعادل اندیشه‌ی سعدی را درباره‌ی دنیا این گونه بیان می‌کند: «از نظر سعدی بهترین حد، حد اعتدال است. به فقر اصلاح کننده می‌تواند باشد و نه ثروت، بلکه حالت میانه و حالت اعتدالی مطلوب است (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

یکی از نظرات سعدی که با همه‌ی اهمیتش، کمتر محل بحث قرار گرفته است، دیدگاه وی درباره‌ی دنیا و تعلقات آن است. از این رو موضوع این جستار را به بررسی چگونگی تجلی دنیا در آثار شیخ شیراز اختصاص دادیم و ضمن آن همزمان با تبیین دیدگاه‌های گوناگون وی درباره‌ی بحث مورد نظر، به تحلیل آنها نیز پرداختیم. حاصل این بررسی بدین گونه است:

۱- سعدی گاهی با بیانی قاطعانه، دنیا را نکوهش می‌کند و انزجار خود را از آن در قالب عبارات و کلمات گوناگون نشان می‌دهد و مخاطبان کلام خود را از توجه به آن

بر حذر می‌دارد. در این نوع دیدگاه، او دنیا را همچون زنی فریبناک، ماری زهر آگین، خانه ای سست پی، پلی ناپایدار و ... می‌داند که باید از آن روی‌گردان شد و زی‌بایی‌ها و دلفریبی‌های آن را چیزی به حساب نی‌آورد. او معتقد است انسان باید با گزینش قناعت، خود را از دلبستگی به دنیا رها کند و حالتی از مجرد حقیقی را در ضمیر خویش پدید آورد. در مقابل این دیدگاه، شیخ شیراز از وی‌ژگی‌های مثبت دنیا سخن به میان می‌آورد و با برشمردن پاره‌ای از خصوصیات پسندیده دنیا و تعلقات دنیوی، به ستایش آن می‌پردازد. در این نوع دیدگاه، او با صراحت به جانبداری و ستایش از مال و ثروت می‌پردازد و ثروتمندی را بر فقر و ناداری ترجیح می‌دهد. در این وضعیت، او نه تنها فقر را نمی‌ستاید، بلکه آن را زایل‌کننده آرامش این جهانی و آن جهانی می‌داند.

در تحلیل این دیدگاه‌های به ظاهر متناقض، آنچه که به دست آمد این است که سعادی در نگرش به دنیا بازگوکننده نظرات اسلام است و از آنجا که با تعالی‌م دینی‌اشناایی و پیوند داشته است، در نگاه به دنیا راه و روش متعادل دین را اختیار کرده است و اگر در جای دنیا را نکوهش می‌کند، شیفته شدن به آن را ناپسند می‌داند، نه اینکه معتقد باشد جهان فی‌نفسه مذموم است. او بر پای‌های دیدگاه دینی، دنیا را مزرعه‌ی آخرت می‌بیند که انسان باید با استفاده‌ی حلال و متعادل از آن، آرامش دنیای خود را فراهم کند و از آنچه خداوند به او می‌بخشد، به دیگران نیز ببخشد و در واقع سهم خود و دیگران را از دنیا فراموش نکند.

۲- سعدی در نگاه عارفانه‌ی خود به دنیا، جهان را در بهترین و نی‌کوترین وضعیت ممکن می‌بیند. وی خریدمگیری بر صنع الهی را از کوتاهی‌دگی و نابخردی می‌داند و معتقد است خداوند با دانش بی‌کران خود، نظام آفرینش را به بهترین صورت ممکن آفریده است.

۳- شیخ شیراز معتقد است انسان نباید دین خود را فدای دنیا کند. از نظر وی دنیا در برابر دین فاقد ارزش است و آنان که دینشان را به دنیا می‌فروشند، زیان‌کارند.

۴- سعدی در بخشی از کلام خود، دنیا را در تقابل با آخرت قرار می‌دهد. البته این موضوع به این معنا نیست که سعدی دنیا را مانع رسیدن به آخرت می‌داند، بلکه اگر از تقابل دنیا و آخرت سخن می‌گوید جنبه‌ی منفی و فری‌بنده‌ی دنیا را مدنظر دارد نه اینکه معتقد باشد هرگونه گرایش به دنیا، دوری از سعادت اخروی را در پی دارد. به سخن بهتر، او دنیایی را در تقابل با آخرت قرار می‌دهد که مذموم و

فری‌بنده است و از نظر وی، دنیایی که پسندیده و حلال است نه تنها در تقابل با آخرت قرار ندارد، بلکه وسیله‌ی تأمین سعادت اخروی است.

۵- شیخ شیراز در نگرش به دنیا گاه برای بیان بهتر مفاهیم مورد نظر خوی‌ش، از آیات، احادیث و روایات استفاده می‌کند.

منابع

- آذر، امیر اسماعیل. (۱۳۷۵ش). *سعدی شناسی*، چاپ اول، می‌ترا، تهران.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۳ش). *چهار سخنگوی وجدان ایران*، چاپ سوم، قطره، تهران.
- پاینده، ابو القاسم. (۱۳۷۷ش). *ترجمه‌ی نهج الفصاحه*، چاپ سوم، جاویدان، تهران.
- حجتی، محمدباقر. (۱۳۸۳ش). *نمونه‌هایی از مضامین قرآنی در اشعار سعدی شیرازی*، مجله‌ی پژوهش دینی، ش ۷، صص ۷-۲۶.
- حسینی، مریم. (۱۳۹۲ش). *(ثنای سنایی) مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حکیم سنایی*، چاپ دوم، خانه‌ی کتاب ایران، تهران.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۱ش). *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، چاپ اول، اساطیر، تهران.
- حمیدی‌بان، سعید. (۱۳۸۳ش). *سعدی در غزل*، چاپ اول، قطره، تهران.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۷۹ش). *بوستان سعدی*، نگارش محمدعلی ناصح، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ پنجم، صفی علی‌شاه، تهران.
- _____ . (۱۳۸۷ش). *بوستان سعدی*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ نهم، خوارزمی، تهران.
- _____ . (۱۳۸۸ش). *کلیدات کامل اشعار سعدی*، به کوشش فضل الله دروش، نگاه، تهران.
- _____ . (۱۳۸۹ش). *گلستان سعدی*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ نهم، خوارزمی، تهران.
- شعار، جعفر. (۱۳۸۰ش). *گزیده‌ی قصاید سعدی*، چاپ هشتم، علمی، تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۴ش). *سعدی در سلاسل جوانمردان*، مجله‌ی مطالعات عرفانی، ش ۲، صص ۵-۱۶.

شهی‌دی، جعفر. (١٣٧٢ش). *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ چهارم، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.

غزالی، محمد بن محمد. (١٣٨٦ش). *احیاء علوم الدین*، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، ج ٤، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

قرآن کریم، تهران: بخش کتب اسلامی و انسانی (ی‌کتا)، [بی تا].

مؤید شیرازی، جعفر. (١٣٥٤ش). *تأثیر قرآن و حدیث بر آثار سعدی*، مجله گوهر، ش ٣٥ و ٣٦، بهمن و اسفند، صص ٩١٦ - ٩١٩.

همای، جلال الدین. (١٣٧١ش). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ هشتم، نشر هما، تهران.